

## شعر و داستان‌های کودکانه در راهند

معاون فرهنگی حوزه هنری کودک و نوجوان از انتشار ۸۰ عنوان کتاب شعر و داستان خبر داد.
مهر این خبر را منتشر کرده و به نقل از حمید حسین‌زاده نوشته است: در حوزه داستان ۱۵مجموعه شعر و در حوزه داستان ۵۰ اثر جدید از هنرمندان صاحب نام و فعال کشور در زمینه کودک و نوجوان داریم که در نوبت چاپ قرار دارند.

همچنین ۹ رمان، دو نمایشنامه و چهار اثر پژوهشی هم در دست چاپ داریم که امیدواریم امسال این آثار به بازار نشر برسد.
به گفته معاون فرهنگی حوزه هنری کودک و نوجوان، تاکید حوزه هنری کودک و نوجوان، تولید آثار با دو محوریت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است.

## غول بابا سراغ بچه‌ها آمد

نمایش عروسکی «غول بابا» به نویسندگی مهدی سیم ریز و کارگردانی محبوبه یاداش و مهدی سیم ریز هر روز به جز شنبه‌ها ساعت ۱۹ و ۱۵ دقیقه میزبان خانواده‌هاست.

ایستنا این خبر را منتشر کرده و درباره داستان این نمایش نوشته است: فیروز در خیال خود به سرزمین قصه‌ها سفر کرده و با غول قصه جک و لوبیای سحرآمیز مواجه می‌شود.

او که در رؤیای کودکانه‌اش غول را مهربان می‌بیند، متوجه می‌شود غول پس از شکستن درخت، روی خانه گنبدی یک پیرزن افتاده و نجات پیدا کرده، فیروز تلاش می‌کند غول مهربان را به خانه‌اش در آسمان بازگرداند.

### یادداشت

### نگاهی به جدیدترین کتاب یوسفعلی میرشاک

## از زبان يك ياغی

**ادامه از صفحه ۹**

بیش از این‌محتوای نامه‌ها را لونی‌دم‌که بخوانید و حظ کنید، اما در ادامه پاراگرافی از این کتاب خواندن‌ی را برایتان نقل می‌کنم:

روزی که من در «سوره» شهید بسیج ـ سیدمرتضی آوینی ـ فریاد برداشتم؛ «تشیع تفکر است نه اخلاق» صدایم در خلا پیچید و به خودم برگشت.

آن روز امثال تو باید ماهی چند کتاب در باب توسعه و سرمایه‌داری و استعمار نو می‌خواندید و در می‌یافتید که برای آمریکا و اروپا و اسرائیل هیچ اهمیتی ندارد که شما چغیه می‌بندید و شلوارپلنگی می‌پوشید و در خیابان‌ها و پشت موتورسیکلت‌ها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید، چون می‌دانستند.

پس از آن‌که ایران بدهکار بانک جهانی شد، صدای شما خود به‌خود به هیچ‌گوشی نخواهد رسید.



### سیاه‌بازی در تماشاخانه استاد مشایخی

در تماشاخانه استاد مشایخی مجلس خواستگاری برپا شده است. هنرآلاین خبر داده که نمایش سیاه‌بازی «مجلس خواستگاری مبارک» به نویسندگی و کارگردانی کامران پورناجی در شب‌های ماه مبارک رمضان در تماشاخانه استاد مشایخی به صحنه می‌رود. این نمایش تا ۵ خرداد ماه هر شب به جز دوشنبه‌ها ساعت ۲۲ و ۱۵ دقیقه اجرا می‌شود.



**درباره تصویری که ۲ بار به موضوع داغ فضای مجازی تبدیل شد**

# سکوت پرهیاهوی يك عكس

نیازی به هیچ‌آگاهی یا پیش‌فرضی نیست؛ در نگاه اول به اندازه کافی غم و تنهایی در این تصویر دیده می‌شود. زن جوانی به‌همراه فرزندش نشسته در کنار تابوت؛ در اتاقی تنها و در مکانی که سکوتش پیدای می‌کند. در نگاه بعدی شاید بتوان از مختصات چهره هر دو نفر حاضر در تصویر فهمید که اهل شرق کشور هستند یا از همسایه‌های شرقی.

هر دو نکته‌ای که در نگاه اول از این تصویر برداشت می‌شود، مهم‌ترین دلیل دست به دست شدن آن در فضای مجازی است. غربت و تنهایی آدم‌های این تصویر و تعلق آنها به خاک همسایه توجّه بسیاری از کاربران فضای مجازی را به خودش جلب کرد اما نه يك بار؛ بلکه دوباره به فاصله تقریباً يك سال ونیم.

تلاش کردیم درباره این تصویر بیشتر بدانیم با عکاسش گفت‌وگو کنیم و نگاهی داشته باشیم به ویژگی‌های این عکس. در نهایت اطلاعاتی را که حاصل شده در این گزارش می‌خوانید و نیز دلایلی که باعث شد بسیاری از کاربران فضای مجازی يك بار دیگر به یادش بیفتند و با توضیحات متعدد ی آن را در حساب‌های کاربریشان بازنشر دهند.

### این عکس اولین بار کی مورد توجه کاربران قرار گرفت؟

اولین بار به نشانه اعتراض در فضای مجازی منتشر شد؛ اعتراض به تنهایی و غربت شهدای اهل افغانستان که برای دفاع از حرم می‌جنگند. آذر ۹۶ بود که این عکس سر و صدا به راه انداخت تا این که مسوؤل ستاد معراج شهدای مرکز توضیح داد که در تمامی مراسم وداع شهدا، خادمین معراج فرصتی فراهم می‌کنند تا برای دقایق خانواده محترم شهدا بتوانند در خلوت با شهیدشان وداع کنند.

بعد از این توضیحات، معصومه موسوی همسر شهید حسینی هم با روزنامه جوان گفت‌وگو کرد و توضیح داد این تصویر مربوط به دیدار خصوصی آنهاست و تشییع پیکر او در تنهایی و غربت نبوده و

## استعمار ستیزی با رمان

رمان «همه‌چیز فرومی‌یاشد» نوشته چینی‌اچی‌بی که درباره جدال با استعمار است، با ترجمه کامروا ابراهیمی توسط انتشارات افراز منتشر شده و حالا به چاپ دوم رسیده است.
مهر این خبر را منتشر کرد و نوشت که این نویسنده آفریقایی متولد سال ۱۳۴۰ در نیجریه است و به‌عنوان رمان‌نویس، شاعر، استاد دانشگاه و منتقد ادبی شناخته می‌شود.
بیشتر شهرت اچ‌بی به‌خاطر کتاب «همه‌چیز فرو می‌یاشد» یعنی نخستین رمانش است. این رمان يك اثر مدرن است که برپایه کهن‌الگوها شکل گرفته و از نخستین رمان‌های آفریقایی است که تحسین منتقدان بین‌المللی را به همراه داشته است. «همه‌چیز فرومی‌یاشد» در بسیاری از کشورهای آفریقا، آمریکا و اروپا ترجمه و چاپ شده و در برخی مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود.
داستان «همه‌چیز فرومی‌یاشد» در روستایی به نام اوموفیا در کرانه شرقی رود نیجر جریان دارد و درباره نزاع فرهنگی سنتی بومیان با استعمارگرانی است که در سال‌های پایانی قرن نوزدهم در آفریقا حضور داشتند.

### نصیر حیدریان باز هم رهبر مهمان

ارکستر سمفونیک تهران دومین کنسرت خود را در سال جدید با رهبر مهمان روی صحنه می‌برد؛ این کنسرت در دو شب متوالی یعنی ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت در تالار وحدت برگزار می‌شود و رهبر مهمان آن نصیر حیدریان خواهد بود. حیدریان پیش از این اپرای عاشورا اثر بهزاد عبدی را رهبری کرده و زمانی عضو شورای موسیقی در وزارت ارشاد بوده است.

### درباره این عکس چه می‌دانیم؟

فضای عکس، یکی از اتاق‌های معراج شهدای مرکز است؛ يك اتاق کوچک برای وداع خانواده شهید سیدرضا حسینی اهل افغانستان که برای دفاع از حرم به لشکر فاطمیون در سوریه پیوسته بود.

سیدرضا و همسرش هر دو در ایران متولد شده و اینجا تحصیل و ازدواج کرده بودند. سه سال اول زندگی مشترکشان در ایران بودند که اوضاع افغانستان کمی آرام گرفت. به‌کشورشان بازگشتند و بعد از هفت سال، دوباره سیدرضا به بهانه کار به ایران بازگشت ولی به لشکر فاطمیون پیوست و راهی سوریه شد.

همسرش در گفت‌وگو با روزنامه جوان تعریف کرده بود که چند ماهی از شوهرش خبر نداشت تا این که متوجه شد او شهید شده اما نه پیکرش را یافته بودند و نه پلاکی از شهید آورده بودند.

شهید حسینی اولین بار ۹۳ به سوریه اعزام شد و آخرین بار فروردین ۹۵ اما پیکرش را پاییز ۹۶ برای تشییع آوردند. لحظاتی قبل از این که این عکس ثبت شود، مراسمی برای این شهید برگزار شده بود و حالا در این لحظه آنها دور از هیاهو کنار هم نشسته‌اند تا همسر و تنها فرزند شهید بعد از سال‌ها دوری در تنهایی با هم وداع کنند.

### عکاس این تصویر کیست؟

جست‌وجوهای ما برای یافتن عکاس به نتیجه‌ای نرسید. در برگزاری مراسم احراز هویت شهیدرضا حسینی احتمالاً عکاسان و اهالی رسانه حضور داشتند اما همسر شهید، از مسئولان معراج شهدا خواسته بود که اجازه بدهند با شهیدشان یک دیدار خصوصی داشته باشند. ۴سال از آخرین دیدار شهید حسینی و همسرش می‌گذشت و این امکان فراهم شد که آنها در اتاق کوچکی کنار هم باشند و با هم وداع کنند. در این اتاق کسی حضور نداشت اما شاید عکاسی از دور این تصویر را ثبت کرده باشد یا کسی در حال عبور دلش نیامده این لحظه ناب را از دست بدهد. کیفیت عکس منتشر شده این احتمال را به ذهن متبادر می‌کند که شاید عکاس از دوربین تلفن همراه استفاده کرده و اصلاً عکاس حرفه‌ای نبوده اما در عین حال قاب‌بندی و ترکیب‌بندی تصویر از نگاه هنرمندانه عکاس خبر می‌دهد. همسر شهید حسینی به رسانه‌ها گفته بود که در زمان ثبت این تصویر جز پیکر شهید و فرزند هشت‌ساله‌اش کسی در اتاق نبوده و در این وداع پایانی او حتی متوجه حضور کسی در اتاق نشده و نمی‌داند چه کسی این عکس را ثبت کرده است.

### چرا دوباره این تصویر اهمیت پیدا کرده است؟

این بار ماجرا به غربت و تنهایی شهدای فاطمیون و افغانستانی‌های مدافع حرم ارتباط ندارد. این بار برخی کاربران فضای مجازی از اندوه‌گزنده این تصویر استفاده کرده‌اند تا به صحبت‌های معاون سیاسی وزیر امور خارجه کشورمان نکته‌ای را یادآوری کنند. سیدعباس عراقچی، در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دوی سیما به تشریح تصمیم شورای عالی امنیت ملی کشورمان در توقف برخی تعهدات برجامی پرداخت و ضمن توضیحاتش گفت: وقتی تحریم‌های آمریکا اثر کند منابع مالی ما محدود شود و فروش نفت ایران به صفر برسد - که البته این اتفاق نمی‌افتد - ما مجبور هستیم که سیاست‌های ویژه‌ای برای اقتصاد خود اعمال کنیم و ممکن است در يك جا به نقطه‌ای برسیم که نتوانیم این هزینه‌ها را ادامه دهیم و در آن صورت ممکن است از خواهران و برادران افغانستانی خود بخوایم ایران را ترک کنند. حالا دوباره این عکس در فضای مجازی می‌چرخد تا یاد شهدای افغانستانی در هشت سال دفاع مقدس و مدافعان حرم زنده‌کند و تلنگری باشد به عراقچی و آنها که شاید این جانفشانی‌ها را فراموش کرده‌اند و شاید آتنن رسانه ملی را با مینز مذاکره اشتباه گرفته‌اند و اثرات انسانی صحبت‌های خود را در نظر نمی‌گیرند، که اگر نمی‌توانیم دامن‌ان را از ظالمان بگیریم، تلافی‌اش را سر مظلوم در نیاوریم.

**بررسی مجموعه آثار مرجان شگری در نمایشگاه ذره دیوانه خدا**

# عشق و عرفان به وقت افطار



نگاه عرفانی مرجان

شگری با وجود جوانی‌اش به نقاشی، متعلق به امروز نیست، شاهد این‌که استاد هادی سیف سال‌ها پیش

در وصف نمایشگاه او در گالری شیرین با نام «سما» پروانه‌ها» نوشته‌اند: مرجان شگری در نقاشی‌هایش، پروانه‌ها را خوانده است در یکی چشم دل من که هر دم به هر تابلویی وا می‌شد به حضور آدم‌های پروانه صفت که جان جانان را سپرده بودند به شوق‌رهایی، به آرزو و امید پروازی در راه وصل و وصال، اما دریغ و درد، از باور و تماشای بال‌های شکسته و سوخته و پرپر شده، از باهای مانده در گل درماندگی‌ها و حرمان‌ها! و چه از سر باور اندیشه و آرمان نقاشی جوان، تحسین کردم مراتب ادای دین او را که در حد بضاعت و معرفت، بی‌پروا، پرده از نادیدن‌ها پرکشیده بود و راوی رنج و سرمستی طالبان وصل وصال حضرت دوست شده بود.

از این رو تماشای آثار تازه خانم شگری با عنوان «ذره دیوانه خدا» در گالری چهار بیننده پیگیر او را متوجه يك خط سیر هوشمندانه می‌کند، نقاش ره می‌پیماید و این بار در طبیعت تاریکی شب به جست‌وجوی نور و روشنایی است.

او نجوا و درد دلی با مخاطب خود دارد که این بار ترجیح داده‌آن را در عمق سکوت و ناپیدایی شب بر صحنه تیره و سیاه شده بوم واگویه کند؛ نجوای کم‌رنگی که در عرض شش تابلو به فریاد و غریو شادمانه با جشنی رنگین از رنگ‌های سرد و گرم تحول می‌یابد.

آرامش، طمانینه، میل به گفت‌وگو، تفکر و تامل، نشانی‌های سراسرت تازه‌ترین نقاشی‌های مرجان شگری است که در این روزهای پر استرس،

اشرف پورهاشمی

روزنامه‌نگار

خود را یافته است.

هر چند روزهای پایانی نمایشگاه خانم شگری است و این ضیافت فقط تا دوشنبه دایر است، اما به نظر نگارنده تلاقی تابلوهای «ذره دیوانه خدا» با ماه مبارک رمضان همنشینی غریب و دلنشینی شده. نمی‌دانم این هم زمانی از روی عمد و آگاهانه بوده یا جبر تقویمی، هرچه هست خوانش این آثار در این روزهای عزیز بسیار مغتنم و بر تاویل پذیرتر شدن آثار موثر است.

مخاطب این روزها حال متفاوت‌تری با دیگر روزهای سال دارد. به اصطلاح چشم معنوی‌اش گشوده‌تر همان فراواقعی خودمان بود، اما رفته رفته بدون نگاه به سلیقه بازار که این روزها پرتره طلب است و فیگوراتیو می‌پسندد، به سوی نوعی انتزاع ناب سوق یافت که کنش‌های متافیزیکی در آن مشهود است.

به عبارت واضح‌تر خانم نقاش بی‌اعتنا به مارکت، راه دل خود را رفته و برچسب‌های قرمز پای تابلوها می‌کوبد اتفاقاً حرفش به دل‌ها نشست و مشتری